



دوستان عزیز؛ ما در بخش قواعد سعی داریم فیلی روان، ساده و گام به گام و البته قوی، قواعد و نکات را برای شما توضیح بدهیم. در همین آموزش قواعد از جملات، تمرین‌های کوتاه و تست هم استفاده می‌کنیم. بعضی از مطالب، دانستن‌شان فیلی مفید و حتی ضروری است؛ اما در کتاب درسی به آن‌ها اشاره نشده است. ما این مطالب را در کارهایی با عنوان «بیشتر بدانیم» مطرح می‌کنیم. توصیه من (و همهٔ فیرفوهران دنیا) این است که حتماً این کارها را هم مطالعه کنید و نادره نگیرید. (بپه‌ها؛ این درس قواعدش طولانیه؛ علتش هم اینه که قراره مهم‌ترین قواعد سال‌های گذشته رو مرور کنیم. لطفاً هر وقت فسته شیر استراحت کنید، کیفیت رو فدای سرعت نکنید! پیشنهاد می‌کنم تو دو سه نوبت قواعد رو بفونین و مرور کنید).

■ تشخیص نوع کلمه؛ اسم، فعل و حرف

ما در برخورد با جملات عربی، با واحدهای کوچک معناداری به نام «کلمه» مواجه هستیم. کلمه در زبان عربی سه نوع است: اسم، فعل و حرف. به بیان دیگر، هر کلمه‌ای لزوماً در یکی از این سه دستهٔ بزرگ قرار می‌گیرد. تشخیص اسم، فعل و یا حرف بودن یک کلمه، باید جزء ابتدایی‌ترین توانایی‌های ما در زبان عربی باشد. هر یک از انواع کلمه را تعریف می‌کنیم و سپس نشانه‌های مهم ظاهری آن‌ها و مهم‌ترین مصادیق‌شان را بیان می‌کنیم.

■ **اسم:** کلمه‌ای است که دلالت بر شخص، شیء و یا مفهومی دارد و در آن عنصر زمان وجود ندارد. مانند: عَلِيٌّ، جَبَلٌ (کوه)، هُوَ (او)، أَكَلٌ (خوردن)، جَمِيلٌ (زیبا)، مُسَاعِدَةٌ (کمک کردن).

⦿ هر واژه‌ای که ابتدایش «ال» یا انتهایش تنوین (ـٌ) و یا مضاف باشد قطعاً و قطعاً اسم است. این سه از نشانه‌های ظاهری مهم اسم هستند. فقط دقت کنید که هر اسمی قرار نیست یکی از این سه مورد را داشته باشد اما هر واژه‌ای که یکی از این سه مورد را داشت حتماً اسم است.

⦿ در زبان عربی هزاران هزار اسم وجود دارد. اما یک‌سری مصادیق بسیار مهم دارند که لازم است بدانیم اسم به حساب می‌آیند. تمامی مصدرها (أَكَلٌ: خوردن، جُلُوسٌ: نشستن، كِتَابَةٌ: نوشتن، رَكُضٌ: دویدن و ...)، ضمایر (هُوَ، هُمَا، أَنَا و ...)، اسامی اشاره (هَذَا، هَذِهِ و ...)، اسامی استفهام (كَيْفٌ، أَيْنَ، مَتَى، مَنْ، مَا)، صفت‌ها (ذَكِيٌّ: باهوش، أُنَيْقٌ: شیک، كَثِيرٌ: زیاد و ...) و ... همگی اسم به‌شمار می‌آیند.

■ **فعل:** کلمه‌ای است که دلالت بر انجام کاری و یا روی دادن حالتی در یکی از زمان‌های گذشته، حال و آینده دارد. مانند: ذَهَبَ (رفت)، أَمْسِي (راه می‌روم)، سَاعِدُوا (کمک کنید).

⦿ تمامی فعل‌های عربی در یکی از سه شکل و ساختار ماضی، مضارع و امر هستند که این، خود ساده‌ترین راه برای تشخیص فعل است. در ادامهٔ همین درس با فعل‌های ماضی، مضارع و امر آشنا می‌شویم.

■ **حرف:** کلمات معمولاً کوچکی هستند که در جمله، میان کلمات ارتباط برقرار می‌کنند (تعداد حروف بسیار محدود است). مانند: عَلِيٌّ، فِي، مِنْ (از)، إِلَيَّ، إِنَّ، و ...

تمرین کوتاه

در جملات زیر نوع کلمات را مشخص کنید.

- (۱) لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ .
- (۲) أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ .
- (۳) نَزَعَبُ بِالذَّهَابِ إِلَى تِلْكَ الْغَابَاتِ الْخَضْرَاءِ .

اسم؛ مذکر یا مؤنث

- بحث مذکر و مؤنث، نکات و ریزکاری‌های زیادی دارد اما ما فقط به مهم‌ترین آن‌ها (که به درر دنیا و آفریتون بفره) اشاره می‌کنیم.
- در زبان فارسی ما اصلاً بحث مذکر و مؤنث نداریم و در ضمائر، فعل‌ها، اسامی اشاره و ... هیچ نوع تفاوتی بین مذکر و مؤنث ایجاد نکرده‌ایم. اما عرب‌ها کلاً بحث جنسیت را در زبان‌شان آوردند و از دم همه اسم‌ها (نه فقط انسان و حیوان بلکه حتی جامدات و مفاهیم) را به مذکر و مؤنث تقسیم کرده‌اند.
 - اما چگونه می‌توانیم مذکر و مؤنث را تشخیص دهیم؟ به طور کلی اسم‌های مذکر علامت خاصی ندارند اما اکثر اسم‌های مؤنث، معمولاً با «ة»^۱ همراه هستند. اصلاً این «ة» تداعی‌کننده جنس مؤنث است. مثلاً وقتی اسم الطالبه را می‌بینیم یک دانش‌آموز دختر در ذهن تداعی می‌شود. وقتی واژه الطيبه را می‌بینیم یک پزشک خانم در ذهن مان تداعی می‌شود. واژه‌هایی مانند فاطمة، معلمة، ممرضة (پرستار خانم)، منصدة (میز)، فراشة (پروانه)، ذکبة (یک دختر باهوش) و ... همگی مؤنث‌اند.
 - دقت کنید دوستان؛ علامت مؤنث «ة» است نه «ت». بنابراین واژه‌هایی هم‌چون بیت (خانه)، وقت، صوت، موت (مرگ)، قوت و ... مذکراند نه مؤنث!
 - به نظر شما واژه قيم (به معنی ارزش‌ها) مذکر است یا مؤنث؟ احتمالاً می‌گویید مذکر است؛ چون آخرش «ة» ندارد. اما نه؛ این درست نیست. قيم جمع مکسر قيمه (ارزش) است و بنابراین مؤنث است. به طور کلی برای قضاوت در مورد مذکر یا مؤنث بودن اسم‌های جمع، حتماً و حتماً باید به مفردشان توجه کنیم. حالا به واژه‌های مثل طلبه نگاه کنید. این واژه جمع مکسر الطالب است و بنابراین مذکر است و نه مؤنث.

بیشتر بدانید

اشاره کردیم که نشانه مؤنث، معمولاً «ة» است. اما یک سری اسم‌ها هستند که علامت «ة» ندارند اما مؤنث به حساب می‌آیند. این اسامی عبارتند از:

- اسم‌های خاصی که نشانه تأنیث ندارند. مانند: مريم، زينب، هند و ...
- اعضای زوج بدن انسان. مانند: عین (چشم)، اذن (گوش)، رجل (پا)، يد (دست)، إصبع (انگشت) و ...
- نام شهرها و کشورها در عربی مؤنث به حساب می‌آید. مانند: ایران، طهران، لندن، باریس (پاریس)، آمریکا (آمریکا) و ...
- اسم‌هایی که مخصوص زنان است اما علامت تأنیث ندارند. مانند: أم (مادر)، أخت (خواهر)، بنت (دختر)، نساء (زنان).
- تعدادی اسم محدود که عرب‌ها آن‌ها را مؤنث به حساب می‌آورند. مانند: شمس (خورشید)، نفس (خود)، أرض (زمین)، ریح (باد)، حرب (جنگ)، نار (آتش)، دار (خانه)، عصا.

اسم؛ مفرد، مثنی و جمع

اسم‌ها در عربی از نظر تعداد به سه دسته تقسیم می‌شوند: (۱) مفرد (= ۱) (۲) مثنی (= ۲) (۳) جمع (= بیش از ۲). همین ابتدا لازم است به یک تفاوت مهم اشاره کنیم و آن این است که ما در فارسی، اصلاً مثنی نداریم (فقط مفرد و جمع داریم). اما عرب‌ها در زبان‌شان کلاً برای دو نفر شخصیت مجزایی ایجاد کرده‌اند.

در جدول زیر خلاصه‌ای از ساختار و شکل اسم‌های مفرد، مثنی و جمع (و انواعش) را می‌آوریم.

اسم از نظر تعداد	ساختار و شکل	مثال
مفرد	اسم‌های مفرد اولین شکل واژه هستند و هیچ علامت و پسوندی ندارند.	طالب: یک دانش‌آموز (پسر) طالبة: یک دانش‌آموز (دختر)
مثنی	اسم مفرد + ان (ین)	طالبان (طالبین): دو دانش‌آموز (پسر) طالبات (طالبین): دو دانش‌آموز (دختر)
مذکر سالم	اسم مفرد مذکر + ون (ین)	معلمون (معلمین): چند آموزگار (آقا)
مؤنث سالم	اسم مفرد مؤنث + ات	طالبات / معلمة / معلمات
جمع	در جمع مکسر علامت یا پسوندی به آخر اسم اضافه نمی‌شود. در این نوع جمع، خود واژه شکسته می‌شود و در ابتدا و میان آن حروفی اضافه می‌شود. این نوع جمع قاعده خاصی ندارد و باید دید برای هر اسم، جمع مکسر چگونه می‌آید.	قلم ← أقلام کتاب ← کُتُب مسجد ← مساجد مفتاح ← مفاتيح مدرسة ← مدارس سِر (راز) ← أسرار سحاب (ابر) ← سُحُب ألف (هزار) ← آلاف

حالا باید به چند نکته بسیار مهم اشاره کنیم که ندانستن‌شان قطعاً باعث می‌شود در تشخیص مفرد، مثنی و جمع بودن واژه‌ها اشتباه کنیم.

۱- در کتاب‌های دستور زبانی عربی، به این «ة»، تاء مربوطه یا تاء مدور می‌گویند.

۲- این که کجا با پسوند ان می‌آید و کجا با پسوند ین، بستگی به جایگاهش در جمله دارد. در بعضی جایگاه‌ها با پسوند ان و در برخی دیگر با پسوند ین می‌آید.

۳- این که کجا با «ون» و کجا با «ین» می‌آید بستگی به جایگاهش در جمله دارد. در بعضی جایگاه‌ها جمع مذکر سالم با «ون» و در برخی با «ین» می‌آید.

۴- هنگام اضافه کردن «ات» به اسم‌های مؤنث دارای «ة»، ابتدا «ة» حذف و سپس «ات» اضافه می‌شود.

۱ علامت مثنی «ان» یا «ین» است. اما نباید فکر کنیم هر واژه‌ای که آخرش «ان / ین» بود مثنی است! چون ممکن است این حروف جزء خود واژه باشد و علامت مثنی نباشد. مثلاً واژه‌ای مثل غُفْران (بخشش) مفرد است و ان آخرش نباید ما را به اشتباه بیاندازد. البته چنین موضوعی در فارسی هم وجود دارد. در فارسی «ان» علامت جمع است: دانش‌آموزان، معلمان، فرهنگیان، مدیران و ... اما از آن طرف واژه‌هایی مثل نگران، نگهبان، بهاران و ... مفرداند نه جمع! پس نباید نگاه ظاهربینانه داشته باشیم و عجله کنیم!

- برخی از واژه‌هایی که آخرشان «ان» است اما مثنی نیستند: رَمَان (انار)، حِصَان (اسب)، دُخَان (دود)، إِحْسَان، كَسَلَان (تنبل)، عُدْوَان (دشمنی)، حُسْرَان (شکست)، طَیْرَان (پرواز)، دَوْرَان، جِیْرَان (جمع مَكْسَر جار: همسایگان)، جَرِیَان و ...

۲ علامت جمع مذکر سالم، «ون» یا «ین» است. اما باید دقت کنید هر واژه‌ای که آخرش این حروف بود لزوماً جمع مذکر سالم نیست؛ ممکن است مفرد یا جمع مَكْسَر باشد.

- واژه‌هایی که آخرشان «ون» است اما هرگز جمع مذکر سالم نیستند: مَحْرُوز، مَجْنُون (دیوانه)، دُیُون (جمع مَكْسَر دَیْن: قرض‌ها)، مَضْمُون و ...
- واژه‌هایی که آخرشان «ین» است اما به هیچ وجه جمع مذکر سالم نیستند: مَسَاكِين (جمع مَكْسَر مَسْكِين)، سَلَاطِين (جمع مَكْسَر سُلْطَان)، رِیَاحِیْن (جمع مَكْسَر رِیْحَان)، بَسَاتِیْن (جمع مَكْسَر بُسْتَان)، فِیْتَامِیْن (ویتامین) و ...

اما یک راه تشخیص خوب: به واژه‌ی مؤنث نگاه کنید. اگر ما «ین» را از آن برداریم می‌شود: مؤنث (یک فرد مؤمن). پس این قطعاً پسوند جمع مذکر سالم است. اما همین کار را بیاییم با مَسَاكِين بکنیم که می‌شود: مَسَاك! اصلاً چنین واژه‌ای وجود ندارد. پس «ین» جزء خود واژه شده‌است و پسوند جمع مذکر سالم نیست.

۳ علامت جمع مؤنث سالم «ات» است. اما به خاطر بسپارید که واژه‌هایی مانند اَبِیَات، اَصْوَات، اَمَوَات، اَوَاقَات جمع مؤنث سالم نیستند و به ترتیب جمع مَكْسَر بیت، صوت، میت و وقت هستند.

۴ لطفاً مثنای این دو واژه را - که کمی با بقیه فرق دارند - به خاطر بسپارید. اَب (پدر) ← اَبَوَان (أَبَوَیْن) / اَخ (برادر) ← اَخْوَان (أَخْوِیْن). ضمناً باز به خاطر بسپارید که اَخ دو جمع مَكْسَر دارد: اِخْوَة و اِخْوَان. اِپس اَخْوَان می‌شود دو برادر و اِخْوَان چند برادر!

۵ یکی از پسوندهای مثنی «ین» است و یکی از پسوندهای جمع مذکر سالم «ین» است. پس به تفاوت ریزی که در حرکت آخرشان وجود دارد توجه کنید.

۶ دو نوع جمع در عربی وجود دارد: ۱) جمع سالم (که خود بر دو نوع است: جمع مذکر سالم و جمع مؤنث سالم) و ۲) جمع مَكْسَر. در جمع سالم حالت مفرد کلمه دست‌نخورده و سالم می‌ماند و پسوندهای جمع به آن اضافه می‌شود. اما در جمع مَكْسَر شکل اولیة واژه کلاً بهم می‌ریزد و شکسته می‌شود و در ابتدا و میانش حروفی اضافه می‌شود. جمع‌های مَكْسَر بدون قاعده هستند و باید در لغت‌نامه‌ها دید که هر اسم، جمع مَكْسَرش چه می‌شود. (البته فِیْلِ از واژه‌ها بیش از یک جمع مَكْسَر دارند مثلاً غُفْرَان (شافه) جمع مَكْسَرش می‌شود: اَغْضَبَان یا غُفْرُون).

تمرین کوتاه

در جملات زیر اسم‌های مفرد، مثنی، جمع مذکر سالم، جمع مؤنث سالم و جمع مَكْسَر را مشخص کنید.

- ۱) رَأَيْتُ مُسْلِمِينَ كَانُوا يُصَلُّونَ فِي الْمَسْجِدِ .
- ۲) يَعْمَلُ فِي هَذِهِ الشَّرِكَةِ ثَلَاثَةُ مُوظَّفِينَ وَ مُوظَّفَتَانِ اثْنَتَانِ ۱ .
- ۳) نَحْنُ نَحِبُّ هَؤُلَاءِ الْمُعَلِّمِينَ لِأَنَّهُمْ فَتَحُوا أَمَامَنَا أَبْوَابَ الْعُلُومِ ۲ .
- ۴) أُحْتِي وَ زَمِيلَاتُهَا يَرْسُمْنَ لَوَاحِتَ جَمِيلَةً ۳ .
- ۵) لَدَيَّ أَصْدِقَاءٌ يُطَالِعُونَ دَرُوسَهُمْ بِجِدِّ كُلِّ يَوْمٍ ۴ .

اسامی اشاره

به طور کلی در تمامی زبان‌ها برای اشاره به چیزهای نزدیک و دور از اسامی اشاره متفاوتی استفاده می‌شود. مثلاً در فارسی برای اشاره به چیزهای نزدیک از «این، این‌ها» و برای اشاره به چیزهای دور از «آن، آن‌ها» استفاده می‌شود.

۱- در این شرکت سه کارمند مرد و دو کارمند زن کار می‌کنند.
۲- ما این معلمان را دوست داریم چراکه آن‌ها در برابر ما، درهای علوم را گشوده‌اند.
۳- خواهرم و هم‌کلاسی‌هایش تابلوهای نقاشی زیبایی می‌کشند.
۴- من دوستانی دارم که هر روز درس‌هایشان را با جدیت مطالعه می‌کنند.

البته در عربی با توجه به مذکر و مؤنث بودن و مفرد، مثنی یا جمع بودن اسم مورد اشاره، اسامی اشاره بیشتری وجود دارد که در ادامه با آن‌ها آشنا خواهیم شد.

■ اسامی اشاره به نزدیک (أسماء الإشارة للقریب)

اشاره به یک فرد (چیز) مذکر	هذا (این)	هذا الطالبُ	هذا كرسيُّ	هذا اللونُ
اشاره به یک فرد (چیز) مؤنث	هذه (این)	هذه الطالبةُ	هذه منضدةٌ	هذه البطاريةُ ^۱
اشاره به دو فرد (چیز) مذکر	هذان / هذین (این‌ها)	هذان الطالبانِ	هذان كتابانِ	هذان المعلمینِ
اشاره به دو فرد (چیز) مؤنث	هاتان / هاتین (این‌ها)	هاتان المهندستانِ	هاتان شجرتانِ	هاتین الفتاتینِ ^۲
اشاره به چند فرد (چیز) مذکر	هؤلاء (این‌ها)	هؤلاء المهندسونَ	هؤلاء لاعبونَ ^۳	هؤلاء الصيادينَ
اشاره به چند فرد (چیز) مؤنث	هؤلاء (این‌ها)	هؤلاء الأمهاتُ	هؤلاء معلماتُ	هؤلاء ممرضاتُ

■ اسامی اشاره به دور (أسماء الإشارة للبعید)

اشاره به یک فرد (چیز) مذکر	ذلك (آن)	ذلك الرجلُ	ذلك كتاب	ذلك ضياءُ
اشاره به یک فرد (چیز) مؤنث	تلك (آن)	تلك الفتاةُ	تلك مدينةٌ	تلك محفظةٌ ^۴
اشاره به چند فرد (چیز) مذکر	أولئك (آن‌ها)	أولئك المؤمنونَ	أولئك أطباءُ	أولئك العمالُ ^۵
اشاره به چند فرد (چیز) مؤنث	أولئك (آن‌ها)	أولئك المؤمناتُ	أولئك النساءُ	أولئك المعلماتُ

① در عربی برای اشاره به مکان نزدیک از هنا (اینجا) و برای اشاره به مکان دور از هناك (آنجا) استفاده می‌شود.

② یک قاعده بسیار مهم و پر کاربرد در عربی وجود دارد (می‌تونم بگم در حد قوانین نیوتن در فیزیک!) و آن این است که اسم‌های جمع غیر انسان (یعنی حیوانات و غیر جانداران) همانند مفرد مؤنث با آن‌ها برخورد می‌شود؛ یعنی اگر قرار باشد برای آن‌ها، اسم اشاره، ضمیر، فعل، صفت و ... بیاوریم همگی در صیغه‌ی مفرد مؤنث می‌آید. به عنوان مثال برای اشاره به کُتُب (که جمع غیر انسان است) از هذه یا تلك استفاده می‌کنیم: هذه الكُتُبُ مُفیدَةٌ. چند مثال دیگر: هذه الأنيهارُ، تلك الأيامُ، هذه الجبالُ، هذه الصُحفُ، تلك الغاباتُ، هذه المُسابقاتُ، تلك المِياهُ و ...

③ اگر بعد از اسم اشاره مثنی یا جمع (هذان / هاتان / هؤلاء / أولئك) یک اسم «ال» دار بیاید معمولاً این اسامی اشاره به صورت مفرد ترجمه می‌شوند.

- هاتان الطالبتانِ مُهدبتانِ: این دو دانش‌آموز، با ادب هستند.

- أولئك الأطباءُ يعالجونَ هؤلاء المرضى: آن پزشکان، این بیماران را درمان می‌کنند.

تست

عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي اسْتِعْمَالِ أَسْمَاءِ الْإِشَارَةِ:

(۱) هؤلاء الأخبارُ سيئةٌ جداً!

(۲) هذه العمالُ ماهرونَ في عملهم!

(۳) ذلك الأمُّ تحبُّ أولادها كثيراً!

(۴) أولئك اللعاباتُ نجحنَ في المسابقة!

۱-باتری

۲-این دو دختر

۳-بازیکن‌ها

۴-کیف

۵-العمال: کارگران

ادوات استفهام

ادوات استفهام یا کلمات پرسشی، از واژه‌های بسیار پر کاربرد و مهم هستند. (آقا؛ این کلمات پرسشی واقعاً حیاتی‌ان. فرض کنید در یک کشور عربی هستید و نیاز فوری به دستشویی دارید. اگر نتوانید بگیرد آیین الفم؟ آیین المراهض؟ وهشتاک میشه!!). در جدول زیر مهم‌ترین ادوات استفهام و کاربردشان به همراه مثال آمده‌است.

کلمه پرسشی	معنی فارسی	کاربرد	مثال
هَلْ / أ	آیا؟	در پاسخ به آن‌ها از نَعَمْ و لا استفاده می‌شود.	- هَلْ فَهَمْتُمْ هَذَا الدَّرْسَ؟ (آیا این درس را فهمیدید؟) - أ تَذْهَبُ الْآنَ إِلَى النَّادِي؟ (آیا الان به باشگاه می‌روی؟)
مَنْ	چه کسی؟	برای پرسش از انسان می‌آید.	- مَنْ يُسَاعِدُكَ فِي الدَّرْسِ؟ (چه کسی در درس‌ها به تو کمک می‌کند؟) - مَنْ رَسَبَ فِي الْإِمْتِحَانِ؟ (چه کسی در امتحان مردود شد؟)
مَا	چه چیز؟ چیست؟ چه؟	برای پرسش از غیر انسان می‌آید.	- ما هذا؟ (این چیست؟)
مَاذَا	چه چیز؟ چه؟	برای پرسش از غیر انسان می‌آید.	- مَاذَا تُشَاهِدُونَ فِي هَذِهِ الصُّورَةِ؟ (در این عکس چه چیز می‌بینید؟)
لِمَاذَا	برای چه؟ چرا؟	برای پرسش از علت یک چیز می‌آید.	- لِمَاذَا تَبْكِي هَذِهِ الطِّفْلَةَ؟ (برای چه این کودک گریه می‌کند؟)
أَيْنَ	کجا؟	برای پرسش از مکان می‌آید.	- أَيْنَ كُنْتَ يَوْمَ امْسٍ؟ (روز گذشته کجا بودی؟)
مَتَى	چه زمانی؟ کی؟	برای پرسش از زمان می‌آید.	- مَتَى يَصِلُ وَالِدَاكَ إِلَى الْبَيْتِ؟ (پدر و مادرت چه زمانی به خانه می‌رسند؟)
كَمْ	چه تعداد؟ چقدر؟	برای پرسش از تعداد یک چیز یا یک کار می‌آید.	- كَمْ كِتَابًا اشْتَرَيْتُمَا؟ (چند کتاب خریدید؟)
كَيْفَ	چگونه؟ چطور؟	برای پرسش از حالت و چگونگی می‌آید.	- كَيْفَ حَالُكَ؟ (حالت چطور است؟) - كَيْفَ جِئْتِ إِلَى هُنَا؟ (چگونه به اینجا رسیدید؟)
أَيَّ	کدام؟	برای پرسش از انسان یا غیر انسان می‌آید.	- أَيُّ طَالِبٍ نَجَحَ فِي الْإِمْتِحَانَاتِ؟ (کدام دانش‌آموز در امتحانات موفق شد؟)
لِمَنْ	برای چه کسی؟ مال کیست؟	برای پرسش از مالک یک چیز می‌آید. لِمَنْ ترکیبی است از «لِ + مَنْ».	- لِمَنْ هَذِهِ السَّيَّارَةُ؟ (این ماشین برای کیست؟)
لِمَ	برای چه؟ چرا؟	لِمَ در واقع مخفف لِمَاذَا است.	- لِمَ أَكَلْتَ هَذَا الطَّعَامَ؟ (چرا این غذا را خوردی؟)

اعداد اصلی و ترتیبی (۱ تا ۱۲)

در متوسطه اول با اعداد اصلی و ترتیبی ۱ تا ۱۲ آشنا شدید. در اینجا هم یک مرور سریع می‌کنیم. ابتدا لازم است به تفاوت اعداد اصلی و ترتیبی اشاره کنیم. به نظر شما چه تفاوتی بین «پنج» در «پنج درس» و «پنجم» در «درس پنجم» وجود دارد؟ پنج برای شمارش تعداد درس‌ها است در حالی که پنجم جایگاه یک درس را در یک مجموعه مشخص کرده‌است. اعداد اصلی اعدادی هستند که برای شمارش و بیان تعداد یک چیز به کار می‌روند و اعداد ترتیبی اعدادی هستند که جایگاه و رتبه یک چیز را در یک مجموعه مشخص می‌کنند.

■ اعداد اصلی

در جدول زیر اعداد اصلی ۱ تا ۱۲ همراه با مثال آمده‌است. فقط دقت کنید به واژه‌هایی که پس از این اعداد می‌آیند «معدود» گفته می‌شود. مثلاً در عبارت «رَأَيْتُ خَمْسَةَ مُوظِّفِينَ» خَمْسَةَ عدد اصلی و مُوظِّفِينَ معدود است.

یک	واحد / واحدة	طالبٌ واحدٌ: یک دانش‌آموز پسر	طالبةٌ واحدةٌ: یک دانش‌آموز دختر
دو	اثنان (اثنین) / اثنان (اثنین)	مُعَلِّمانِ اثنانٍ: دو معلم	مَرَأَتَيْنِ اثنینٍ: دو زن
سه	ثلاثة / ثلاث	ثلاثة أطفالٍ: سه کودک	ثلاث ساعاتٍ: سه ساعت
چهار	أربعة / أربع	أربعة جنودٍ: چهار سرباز	أربع سفنٍ: چهار کشتی
پنج	خمسة / خمس	خمسة كتبٍ: پنج کتاب	خمس لاعباتٍ: پنج بازیکن (زن)
شش	ستة / ست	ستة أسماء: شش اسم	ست سنواتٍ: شش سال
هفت	سبعة / سبع	سبعة أيامٍ: هفت روز	سبع مسابقاتٍ: هفت مسابقه
هشت	ثمانية / ثمانی	ثمانية لصوصٍ: هشت دزد	ثماني معلماتٍ: هشت معلم (زن)
نه	تسعة / تسع	تسعة ضيوفٍ: نه مهمان	تسع سياراتٍ: نه ماشین
ده	عشرة / عشر	عشرة أمتارٍ: ده متر	عشر دقائقٍ: ده دقیقه
یازده	أحد عشر / إحدى عشرة	أحد عشر لاعباً: یازده بازیکن	إحدى عشرة طبيبةً: یازده پزشک (خانم)
دوازده	اثنا عشر (اثنی عشر) / اثنتا عشر (اثنی عشر)	اثنا عشر إماماً: دوازده امام	اثنتي عشرة موظفةً: دوازده کارمند (خانم)

■ اعداد ترتیبی

اعداد ترتیبی در فارسی معمولاً با پسوند «ثم» بعد از اسم یا پسوند «-مین» قبل از اسم می‌آیند. مثلاً درس سوم یا سومین درس، کلاس ششم یا ششمین کلاس. ضمناً اعداد ترتیبی غیر از ۱ (الأول / الأولى) بقیه بر وزن فاعل می‌آیند. در جدول زیر اعداد ترتیبی ۱ تا ۱۲ به همراه مثال آمده‌است.

اول / یکم	الأول / الأولى	التمرین الأول: تمرین اول	هفتم	السابع / السابعة	الشهر السابع: ماه هفتم
دوم	الثاني / الثانية	المرّة الثانية: بار دوم	هشتم	الثامن / الثامنة	الساعة الثامنة: ساعت هشت
سوم	الثالث / الثالثة	الساعة الثالثة: ساعت سه	نهم	التاسع / التاسعة	الدرس التاسع: درس نهم
چهارم	الرابع / الرابعة	الحصّة الرابعة: زنگ چهارم	دهم	العاشر / العاشرة	الصفحة العاشرة: صفحه دهم
پنجم	الخامس / الخامسة	الفريق الخامس: تیم پنجم	یازدهم	الحادي عشر / الحادية عشرة	اليوم الحادي عشر: روز یازدهم
ششم	السادس / السادسة	الرحلة السادسة: سفر ششم	دوازدهم	الثاني عشر / الثانية عشرة	الآية الثانية عشرة: آیه دوازدهم

تست

«اشتریت أمس إحدى عشرة تفاحةً و أكلت تفاحتين إذن لدي الآن تفاحتين»:

(۲) التاسعة

(۴) تسع

(۱) ثمانی

(۳) الثامنة

۱- اعداد ۳ تا ۱۰ گاهی اوقات با «ة» و گاهی بدون «ة» می‌آیند.

۲- به عنوان یک نکته به خاطر بسپارید که در بیان ساعت، (فقط قسمت ساعتش نه دقیقه) از اعداد ترتیبی استفاده می‌شود. اما در فارسی با اعداد اصلی ترجمه می‌شود.

■ ساعت‌شناسی

(آقا؛ این ساعت‌شناسی هم جداً مهمه؛ فرض کنید در آینه ان‌شالله بیزینسمن (businessman) بزرگی میشید و قراره با یه شرکت بزرگ تو دبی یه قرار داد توپ ببندید. یه ایمیل میار براتون میگه: *في الساعة التاسعة إلا ربعا* بیاید شارع شیخ زاید برج الإمارات - یکی از همین برهای روی جلد - طبقه ۱۵۴ فب آله ساعتشو متوجه نشید ممکنه کلاً قرار دادتون بوم بریزه. پس موتمه ریگه!).

اولین نکته در بحث ساعت این است که ساعت‌ها در عربی با اعداد ترتیبی بیان می‌شوند؛ چون جایگاه یک ساعت را در میان ساعات روز مشخص می‌کند. دومین مطلب این که معادل «ساعت چند است؟» در عربی می‌شود: *كَمْ السَّاعَةُ؟* یا *كَمْ السَّاعَةُ الْآنَ؟* مطلب بعدی این که در قواعد درس یک، ما فقط لازم است با ساعت کامل (ساعت دو، ساعت شش، ساعت نه و ...) و پانزده دقیقه، نیم ساعت و چهل و پنج دقیقه آشنا شویم. در ادامه برای هر یک از این موارد چند مثال می‌زنیم.

- ساعت هشت است: *السَّاعَةُ الثَّمَانَةُ [تماماً]*
- ساعت دوازده است: *السَّاعَةُ الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ*
- ساعت سه و پانزده دقیقه (سه و ربع) است: *السَّاعَةُ الثَّلَاثَةُ وَالرُّبْعُ*.
- ساعت شش و چهل و پنج دقیقه است: *السَّاعَةُ السَّابِعَةُ إِلَّا رُبْعًا*.
- ساعت نه و ۴۵ دقیقه است (= یک ربع مانده به ده است): *السَّاعَةُ الْعَاشِرَةُ إِلَّا رُبْعًا*
- ساعت نه شب است: *السَّاعَةُ التَّاسِعَةُ مَسَاءً*.
- ساعت دقیقاً یک است: *السَّاعَةُ الْوَاحِدَةُ تَمَامًا*.
- ساعت چهار و نیم است: *السَّاعَةُ الرَّابِعَةُ وَالنِّصْفُ*.

■ شناخت صیغه‌ها یا اشخاص در عربی و ضمایر آن‌ها

دوستان؛ یکی از مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین موضوعات، همین شناخت صیغه‌ها یا اشخاص عربی است که تفاوت‌های زیادی با فارسی دارد. ما در فارسی ۶ شخص داریم اما در عربی ۱۴ شخص یا صیغه داریم. علت هم برمی‌گردد به این که عرب‌ها برای مؤنث و مثنی صیغه‌های متفاوتی را تعریف کرده‌اند. ما به دو روش، صیغه‌های عربی را توضیح می‌دهیم؛ روش اول: روش جدید و بومی‌سازی شده و روش دوم: روش سنتی.

■ روش اول: روش جدید و بومی‌سازی شده

در این روش، می‌آییم بر اساس اشخاص فارسی، صیغه‌های عربی را معرفی می‌کنیم. در جدول زیر، معادل‌های هر یک از شخص‌های فارسی به همراه ضمایر منفصل (جدا) و متصل (پیوسته) و مثال آمده‌است. در ادامه هم توضیحی در مورد آن‌ها می‌دهیم.

شخص فارسی	معادل عربی	مثال	ضمیر منفصل	ضمیر متصل
اول شخص مفرد (من)	أنا	أَنَا كَتَبْتُ وَاجِبَاتِي	أنا	«ي»
دوم شخص مفرد (تو)	تو (آقا) = أَنْتَ	أَنْتَ كَتَبْتَ وَاجِبَاتِكَ	أَنْتَ	«كَ»
	تو (خانم) = أَنْتِ	أَنْتِ كَتَبْتِ وَاجِبَاتِكَ	أَنْتِ	«كِ»
سوم شخص مفرد (او)	او (آقا) = هُوَ	هُوَ كَتَبَ وَاجِبَاتِهِ	هُوَ	«ه»
	او (خانم) = هِيَ	هِيَ كَتَبَتْ وَاجِبَاتِهَا	هِيَ	«هَا»
اول شخص جمع (ما)	نَحْنُ	نَحْنُ كَتَبْنَا وَاجِبَاتِنَا	نَحْنُ	«نا»
دوم شخص جمع (شما)	شما (دو آقا) = أَنْتُمَا	أَنْتُمَا كَتَبْتُمَا وَاجِبَاتِكُمَا	أَنْتُمَا	«كُما»
	شما (دو خانم) = أَنْتُمَا	أَنْتُمَا كَتَبْتُمَا وَاجِبَاتِكُمَا	أَنْتُمَا	«كُما»
	شما (چند آقا) = أَنْتُمْ	أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ وَاجِبَاتِكُمْ	أَنْتُمْ	«كُم»
	شما (چند خانم) = أَنْتُنَّ	أَنْتُنَّ كَتَبْتُنَّ وَاجِبَاتِكُنَّ	أَنْتُنَّ	«كُنَّ»
سوم شخص جمع (آن‌ها)	آن‌ها (دو آقا) = هُمَا	هُمَا كَتَبَا وَاجِبَاتِهِمَا	هُمَا	«هُما»
	آن‌ها (دو خانم) = هُمَا	هُمَا كَتَبَتَا وَاجِبَاتِهِمَا	هُمَا	«هُما»
	آن‌ها (چند آقا) = هُمْ	هُمْ كَتَبُوا وَاجِبَاتِهِمْ	هُمْ	«هم»
	آن‌ها (چند خانم) = هُنَّ	هُنَّ كَتَبْنَ وَاجِبَاتِهِنَّ	هُنَّ	«هن»

■ روش دوم: روش سنتی

روش دوم روشی است که در کتاب‌های خود اعراب و کتاب‌های قدیم به دانش‌آموزان یاد می‌دادند. این روش - که دیگر بر پایه شخص‌های فارسی نیست - ابتدا از صیغه‌های غائب (سوم شخص) شروع و سپس به مخاطب (دوم شخص) و سپس به متکلم (اول شخص) می‌رسد. در جدول زیر عنوان فارسی و عربی صیغه‌ها و ضمایر متصل و منفصل‌شان به همراه مثال آمده‌است.

شماره	عنوان فارسی صیغه	عنوان عربی صیغه	ضمیر منفصل	ضمیر متصل	مثال
۱	مفرد مذکر غائب	لِلْغَائِبِ	هُوَ	«ه»	هُوَ أَكَلَ طَعَامَهُ ^۱
۲	مثنای مذکر غائب	لِلْغَائِبَيْنِ	هُمَا	«هُمَا»	هُمَا أَكَلَا طَعَامَهُمَا
۳	جمع مذکر غائب	لِلْغَائِبِينَ	هُمْ	«هُمْ»	هُمْ أَكَلُوا طَعَامَهُمْ
۴	مفرد مؤنث غائب	لِلْغَائِبَةِ	هِيَ	«ها»	هِيَ أَكَلَتْ طَعَامَهَا
۵	مثنای مؤنث غائب	لِلْغَائِبَتَيْنِ	هُمَا	«هُمَا»	هُمَا أَكَلَتَا طَعَامَهُمَا
۶	جمع مؤنث غائب	لِلْغَائِبَاتِ	هُنَّ	«هُنَّ»	هُنَّ أَكَلْنَ طَعَامَهُنَّ
۷	مفرد مذکر مخاطب	لِلْمُخَاطَبِ	أَنْتَ	«ک»	أَنْتَ أَكَلْتَ طَعَامَكَ
۸	مثنای مذکر مخاطب	لِلْمُخَاطَبَيْنِ	أَنْتُمَا	«کُما»	أَنْتُمَا أَكَلْتُمَا طَعَامَكُمَا
۹	جمع مذکر مخاطب	لِلْمُخَاطَبِينَ	أَنْتُمْ	«کُمْ»	أَنْتُمْ أَكَلْتُمْ طَعَامَكُمْ
۱۰	مفرد مؤنث مخاطب	لِلْمُخَاطَبَةِ	أَنْتِ	«ک»	أَنْتِ أَكَلْتِ طَعَامَكَ
۱۱	مثنای مؤنث مخاطب	لِلْمُخَاطَبَتَيْنِ	أَنْتُمَا	«کُما»	أَنْتُمَا أَكَلْتُمَا طَعَامَكُمَا
۱۲	جمع مؤنث مخاطب	لِلْمُخَاطَبَاتِ	أَنْتُنَّ	«کُنَّ»	أَنْتُنَّ أَكَلْتُنَّ طَعَامَكُنَّ
۱۳	متکلم وحده ^۲	لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	أَنَا	«ی»	أَنَا أَكَلْتُ طَعَامِي
۱۴	متکلم مع الغير ^۳	لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	نَحْنُ	«نا»	نَحْنُ أَكَلْنَا طَعَامَنَا

بچه‌ها؛ کلاً بیابیم این جوری یاد بگیریم و تصور کنیم که ما یا در مورد یک آقای^۴ که حضور ندارد صحبت می‌کنیم (هُوَ) یا در مورد دو آقای^۵ که حضور ندارند (هُمَا)، یا در مورد چند آقای^۶ که حضور ندارند (هُمْ)، یا در مورد یک خانم که حضور ندارد (هِيَ)، یا در مورد دو خانم که حضور ندارند (هُمَا)، و یا در مورد چند خانم که حضور ندارند (هُنَّ).

هم‌چنین ما یا با یک مخاطب آقا صحبت می‌کنیم (أَنْتَ)، یا دو مخاطب آقا (أَنْتُمَا) و یا چند مخاطب آقا (أَنْتُمْ) و یا با یک مخاطب خانم (أَنْتِ) و یا با دو مخاطب خانم (أَنْتُمَا) و یا با چند مخاطب خانم (أَنْتُنَّ).

هم‌چنین من، یا در مورد خودم صحبت می‌کنم (أَنَا) و یا ما، در مورد خودمان صحبت می‌کنیم (نَحْنُ). (فکر کنم این‌بوری ریگه فیلی راحت تر صیغه‌های عربی رو یاد گرفتین).

سعی کنید صیغه‌های عربی را با عناوین عربی‌شان یاد بگیرید. مثلاً بدانید هُنَّ صیغه للغائبات است یعنی «برای چند شخص خانم غائب» و ... همان‌طور که مشاهده می‌کنید ضمایر برخی صیغه‌ها کاملاً مشابهت لفظی دارند. مثلاً صیغه‌های مثنای مذکر غائب و مثنای مؤنث غائب هر دو «هُمَا» هستند. و صیغه‌های مثنای مخاطب برای مذکر و مؤنث هر دو «أَنْتُمَا» است.

■ آشنایی با فعل‌های عربی؛ ماضی، مضارع و امر

در عربی، فعل‌ها در سه شکل هستند: ماضی، مضارع و امر. فعل ماضی، فعلی است که معمولاً دلالت به انجام کاری در گذشته دارد. مضارع فعلی است که غالباً دلالت بر انجام کاری در زمان حال یا آینده دارد. و فعل امر هم فعلی است که دستور به انجام کاری را به شخص یا اشخاص مخاطب می‌دهد. این‌ها سه نوع اصلی فعل در عربی هستند. هر فعلی را که در جملات با آن روبه‌رو می‌شویم قطعاً به یکی از این سه نوع تعلق دارد. در ادامه با ساختار و شکل هر کدام از آن‌ها آشنا می‌شویم.

۱- او غذايش را خورد.

۲- متکلم یعنی گوینده، صحبت کننده که همان اول شخص است. وحده هم یعنی «تنها» یعنی فقط یک نفر گوینده.

۳- متکلم مع الغير یعنی گوینده با دیگران که همان اول شخص جمع است.

۴- البته «آقا» که می‌گوییم منظورمان جنس مذکر است و می‌تواند حیوانات یا غیر جانداران هم باشد.